



وبسایت هفتگی طنز راه راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
@tanzyrn
rabrahantanz.ir

یکصد مدیر دو تابعیتی در دولت تدبیر و امید داریم

قلیچ کارت!

« شاهرخ بارامی

باخبر شدیم خزانه‌دار یکی از زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت، اخیراً به مقصد آن یکی تابعیت‌شان از کشور خارج شده‌اند. آنهم فقط با یکصد میلیارد تومان! هر چند ۱۰۰ میلیارد، از نظر عدد و رقم در تاریخ معاصر اختلاس، نقطه عطف که هیچ، حتی در حد لکه‌نگ هم نیست و واقعا ارزش بررسی نداشت ولی از جنبه‌های دیگری می‌توان به آن پرداخت.

اول اینکه ما می‌توانیم با مهندسی معکوس و دادن تابعیت کشور خودمان به مدیران سایر

کشورهای سرمایه‌دار و سپس نشستن در زیر پای آنها و ترغیب‌شان به اختلاس، ارقام قابل توجهی سرمایه خارجی جذب کنیم؛ البته به شرطی که سیستم اداری کشورهای مورد نظر، از فساد اداری لازم برخوردار بوده و مدیران آنها جریزه کافی را داشته باشند! اگر نه مثل این جوجه اختلاسگر، می‌خواهند با ۱۰۰ میلیارد بلند شوند بیایند اینجا که آن‌ها تا بخواهند فرار مالیاتی و اینجور چیزها یاد بگیرند مجبورند همه را مالیات بدهند.

در مرحله بعد باید به موازات روش فوق، در



مهدی نظری



یکی داستان است، پر آب چشم

به مناسبت سالروز تولد حکیم طوس

« محمد رضا شکیبایی زارع

یکی داستان است پر داد و دود که رستم در آن نقش اول نبود شنیدم که در روزگار کهن که حتماً نه تو دیدهای و نه من جهان پهلوان رستم نامدار دلش را ز کف داد و شد بیقرار به هر سو نگره کرد آینه دید جهان را فقط رنگ نهچینه دید چو چشمان ته‌مینه کردش کمین دلش بی هوا ریخت روی زمین به امید عشق و به شوق وصال دوان رفت رستم به نزدیک زال بگفتا که بابا، به جان قباد همه عمر من رفته از دم به یاد چو بشنید زال بزرگ این سخن بگفتا برو نقش بازی مکن اگر چه شدی مرد جنگ و دلیر هنوزم دهانت دهد بوی شیر از این گفت‌و گو رستم آشفته شد در آتش نشست و کمی پخته شد بگفتا پدر جان در این سال سی که شد زنده با آن همین پارسی دهانم هنوزم دهد بوی شیر؟ به جای بهانه مرزن بگیر دگر آمد اندیشه چاره کرد و سیمرغ را باز آواره کرد بدو گفت: دنبال یاری برو برای پسر خواستگاری برو شنید این سخن را و بر گشت زال به پرسید از رستمش این سوال: که رستم بگو عاشق کیستی؟ تو پاروزن قایق کیستی؟ دقیقاً کجا خواستگاری رویم؟ پیاده نشد با سواری رویم... پس از شرح رستم از آن ماجرا خبر چون به شاه سمنگان رسید ز خشم و ز کین پیرهن را درید دو روز از غم این خبر او نخفت عتار را ز کف داد و با داد گفت: اگر بول و پارتی ندارد به کار چگونه طلب می‌کند او نگار رود ابتدا و دو و بلا خرد و بهتر که در آنتالیا خرد پس از آن حقوقش نجومی شود و دلال مرغان بومی شود حسابش که شد چند میلیارد و نیم بیاید به حالش نظر می‌کنیم شنید این سخن را چو فرزند زال الف قد او شد به یک لحظه دال دگر از جهانش صفایی نبرد چهل روز او قند و چایی نخورد هم او از غم و غصه زنجیده شد و هم دختر شاه ترشیده شد به همراه جنس خوش و یار بد شد او در بی کار و افکار بد جهان پهلوان بود و معتاد شد چنین قصه پر دود و پر داد شد تجارت چو شد از دواج، این زمان به دود و دم افتد جهان پهلوان

چت‌های لورفته

« سیدمهدی موسوی



از تودد گرانی تا تردید در برجام

« سمیه قربانی

عراقچی: چون صدواسیما می‌گوید برجام دستاوردی نداشته، سرمایه‌گذاران خارجی دچار تردید شده‌اند. با اعلام این خبر صدواسیما که داشت کلی برنامه پخش و پلا می‌کرد، دست و پایش را گم کرده و چون نمی‌خواست به عنوان سنگ‌انداز معرفی شود، هر چه زودتر به تهیه برنامه دستاوردهای برجام اقدام کرد.

دستاوردهای برجام بدین شرح است:

بیشترین دستاوردی که به دست آمد، گرانی شانه‌های تخم‌مرغ بود که شانهای ۲۰ هزار تومان شده بود. در واقع مرغاور، نه دستاورد! با توجه به ارتباط دام و طیور با همدیگر لبنیات نیز گران شده بود و این هم لبتاورد برجام! صدواسیما که در حال سیاه و سفید شدن بود همچنان به دنبال دسته‌گل آوردهای برجام بود که به برنج رسید. هر جا رفت به یک آوردی رسید، دلار آورد آخرین باکلاس‌ترین گرانی برجام بود که موجب تیره صدواسیما شد. عراقچی در حالی که به روی خودش نمی‌آورد به دنبال سنگ‌اندازهای دیگر عازم سرزمین مومگرینی شد البته با چمدانش!

کباب ریزگرد

« امین شفیعی



مریم کمالی



جیم!

« فهیمه انوری

مدیرا جمله باهم قوم و خویشن همش یا خارجن یا اینکه کیشن گرین کارت‌ها همه حاضر تو جیبا خدا می‌دونه که کی جیم میشن

گزارش جشن روز پرستار و گرامیداشت زحمات آنان

رونمایی از هشدار دهنده هوشمند

« فاطمه سادات رضوی علوی

در مراسمی به مناسبت روز پرستار، از فدکاری خاموش و تلاش‌های شبانه‌روزی مشاغل سخت، بخصوص پرستاری تجلیل شد.

در این مراسم که صبح امروز برگزار شد، کلیک به عنوان اولین سخنران درباره سختی کار خود گفت: خدا میدونه هر بار که میگم «غصع» چه فشاری به همه جام میاد همینجا از مسولان می‌خوام که مثل برخی هنرمندان، جنسره، دهان، مردمک و بقیه جاهام رو بیمه کنن. ناسلامتی من اینفولوئنسر این مملکت!

در ادامه این مراسم، بازیگر فیلم دونفر و نصفی و سریال پرستاران، ضمن دریافت جایزه خود، با ذکر این نکته که بازیگری خیلی قبل‌تر از پرستاری، سخت‌ترین کار دنیا بوده است، گفت حالا حساب کنین یه بازیگر بخواد نقش پرستار هم بازی کنه! آخه با مقعنه سفید میشه بازی کرد؟! این ریمل‌ها هم که چینی...

ح. هانیز با اجرای آهنگ «تب کنم پرستارم تو باشی!» به به به به! « به مشکلات شغل دشوار پرستاری پرداخت و از مسولان و مردم خواست!

در انتهای مراسم، با حضور وزیر طرح سلامت، از هشدار دهنده هوشمند با قابلیت هشدار همزمان ۵۰ بیمار و ۱۰ مدل آژیر متنوع رونمایی شد. وزیر در توضیح گفت: این طرح موجب تحول دوباره در نظام سلامت خواهد شد. پرستاران اگر تا دیروز به طور مصوب هر کدام ۲۵ بیمار را تحت نظر داشتند، امروز با خیال راحت می‌توانند ۵۰ بیمار را مراقبت کنند. وی در پاسخ به سوالاتی درباره حق سختی کار و افزایش حقوق پرستاران، ابراز امیدواری کرد همه پشت‌گوش‌شان را ببینند.

گفتنی است در انتهای مراسم نوبت به سخنرانی یکی از پرستاران نمونه کشوری رسید، اما به دلیل ازدحام جمعیت جلوی سالن غذاخوری و گم شدن فیش ناهار یکی از مدعوین، سخنرانی او لغو شد.

برجام‌نامه

به کوشش جمعی از شعرا در سالگرد اجرای برجام

سراهی!

« فهیمه انوری

یا مشغله‌های «شرق» بسیار شده یا حضرت «اعتقاد» هوشیار شده لاند در این جشن تولد، گویا برجام دوساله، بی کس و کار شده

در حد هیچ!

« زهرا آراسته‌نیا

روای ما هر چند تعبیری ندارد برداشته تحریم و تأخیری ندارد وقتی توافق‌های ما در حد هیچ است برجام بیچاره که تقصیری ندارد

دوتا موز!

« امین شفیعی

دیوار تحریم از محیط حوض برداشتا از ظرف آجیل لوزان هم لوز برداشتا قبل از این کشور به کلی موز کم بود برجام رفت آنجا و دوتا موز برداشتا!

نامحسوس!

« مینا گودرزی

برجام برای رامان فائوس است هر چند نتایجش به کل معکوس است برداشته برداشتنی را اگر چه برداشتنش ظریف و نامحسوس است

قابل تقدیر!

« فهیمه انوری

نگو برجام بی تاثیر بوده که عشق دولت تدبیر بوده نکرده مشکلی را حل، ولی خب تلاشش قابل تقدیر بوده

پشت پرده اتفاقات

« محمد امین میمندیان

اصلی کافو «کریم آبودانی» و فرمانده سپاه ریودونانیرو است. او ماموریت داشته ایران را بیندازد در گروه مرگ. چون رژیم دید اگر ایران از گروهش صعود کند، مردم برای جشن می‌ریزند توی خیابان و دیگر نمی‌شود جمع‌شان کرد. چون روحیه هم دارند، یکپو می‌زنند رژیم را عوض می‌کنند.

ریزگرد: وقتی نیروهای حکومت می‌خواهند کمک‌های مردم به زلزله‌زده‌ها و صندوق صدقات و... را ببرند برای فلسطینی‌ها، اگر همین‌جوری ببرند که ملت می‌فهمند پدرشان را درمی‌آورند. گویا روس‌ها یک سائترفیوژها را هم ذوب کردند و با آنها چوب‌لباسی ساختند تا حوله و لباسی که روی آن آویزان می‌شود رادیواکتیویته بشود!

برخورد قطارها: یک جاسوس اسرائیلی وارد حفاظت اطلاعات سپاه شده و اطلاعات سری ایجاد داعش توسط رژیم را ربوده بوده. بعد هم قطار را دزدیده بوده و می‌خواسته به ترکمنستان برود و از آنجا به اروپا پناهنده شود و اسرار را لو بدهد. فرماندهان هم گفتند حالا چه کنیم؟ رفتند ریل قطار دیگر را انداختند روی ریل این قطار و...!

قرع‌کشی جام‌جهانی: می‌دانید چرا وقتی اسم ایران درآمد آقای کافو می‌خند؟! اسم

صدا و سیما چگونه جلوی سرمایه‌گذاری خارجی را در ایران می‌گیرد

بازم تو جومونگ؟!!

« محمدرضا رضایی



اون باشد، پایش را هم نمی‌گذارد. یا مثلاً با پخش مجدد زیزی گولو آسی پاسی دراکوتا تا به تا، سرمایه‌گذار خارجی پیش خودش فکر می‌کند مردم ایران آدم‌هایی خیالاستی و آس و پاس بوده و به جای تکیه بر منطق و معادلات علمی، مدام به دنبال شعبده و جادو - جمیل هستند. چون سرمایه‌گذار خارجی که نمی‌داند زی زی گولو واقعا وجود دارد و فکر می‌کند همایش خیالات است. از همین رو ریسک سرمایه‌گذاری در همین جایی را نمی‌پذیرد. به طور کلی، هر چه هست زیر سر صدا و سیماست!

بر همگان واضح و مبهرن است که اگر برجام در جذب سرمایه‌گذار خارجی و چیزهای دیگر موفقیتی نداشته، همایش تقصیر صدا و سیما است و حرف جناب عراقچی در این زمینه کاملاً درست است. اگر نه خود برجام که توسط امضای کری تضمین شده و تا تاریخ تاریخ است، تاریخ است.

ملا صدا و سیما با پخش چند باره جومونگ، به سرمایه‌گذار خارجی اینطور القا می‌کند که ایرانی‌ها جنگ‌طلب و خشن هستند و از طرف دیگر با اون هم رابطه خوبی دارند. خب! معلوم است سرمایه‌گذار خارجی جایی که ردپایی از